| تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۷/۳ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۹/۹/۲۵ |

مدل حکمرانی در قرآن کریم؛ براساس کلیدواژۀ تبعیت

حمید ایزدبخش
پژوهشگر هستۀ سلامت مرکز رشد و دانشجوی دکتری رشتۀ تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشکدۀ معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). تهران. ایران.
h.eizadbakhsh@isu.ac.ir

مجتبی جوادی
دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکدۀ معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). تهران. ایران.
mo.javadi@isu.ac.ir

چکیده
در رابطه بـا حکومت از منظر قرآن مطالعات زیادی انجام شـده اسـت. اما در مورد مفهوم نوظهـور حکمرانی، مدل آن و مولفه‌های اصلی آن کمتر پژوهشـی در این زمینه به چشـم می‌آیـد. از اینرو هدف اصلی این مطالعه شـناخت مدل کلـی حکمرانـی از منظر قـرآن کریم قرار گرفـت. روش مورد اسـتفاده در این گـزارش روش «تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسـیر قرآن به قرآن» می‌باشـد که بر اسـاس آن پس از دقیق کردن موضوع و یافتن کلیدواژه مناسـب، به بررسـی آیـات مرتبط بر اسـاس روش تحقیق موضوعی قـرآن کریم پرداخته شـد. پس از بررسـی‌های صورت‌گرفته واژه «تبعیت» برگزیده شد که در اصلِ معنـا به «دنبال رفتـن» و «دنبال بودن» اشـاره دارد و این معنـا قرابت زیادی با مفهـوم محوری حکمرانی داشـت. از اینـرو تبعیت کلیـدواژه‌ی اصلی مطالعه قـرآن قرار گرفت. در بررسـی آیـات از رویکری هنجاری پرهیز شـد تا توجه به پیش‌فرض‌هـا و توصیف‌های قرآنی، دلالت‌های روشـن‌تری در مورد حکمرانی برداشـت کنیم. در نهایت نتایج پژوهش به صورت مدل حکمرانی در قرآن کریم در سـه محور تابع، متبوع و تبعیت که ارکان «تبعیت کردن» هستند، ارائه گشت.

کلیدواژه‌ها: پیروی، حکمرانی، حکمرانی اسلامی، تبعیت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

مقدمه و بیانیهٔ مسئله

در هر قلمرو جغرافیایی، شیوهٔ حکمرانی و در معنایی عام‌تر، ادارهٔ حکومت از مهم‌ترین موضوع‌هایی اســت که اندیشمندان و نخبگان جامعه به آن می‌اندیشند. باوجود این وصف، مسئلهٔ حکمرانی در ایران از حیث نظری و عملی با مشکلاتی عجین است که ضرورت توجه به آن را دوچندان می‌کند. امروزه واژهٔ حکمرانی توسط برخی اندیشــمندان و کارگزاران ایرانی به‌کارگرفته می‌شود. به‌کارگیری واژگان وارداتی نیازمند تأمل و بررســی‌های عمیق و دقیق فرهنگی است. آنچه در اغلب مقالات و محافل کارگزاران داخلی مطرح است، صرفاً حکمرانی را به نظریهٔ بانک جهانی در باب «حکمرانی خوب» تقلیل داده است (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷). «حکمرانی خوب» به دنبال تحقق هنجارهای دهکدهٔ جهانی اســت و با هدف خاصی در کشورهای مختلف پیگیری می‌شود، ولی آیا نظریه‌های حکمرانی رایج صرفاً منحصر در حکمرانی خوب است؟ قطعاً این‌گونه نیست، ولی ادبیات ترجمه‌ای و وارداتی، عامدانه یا غیرعامدانه، بســیار اندک به ســایر نظریه‌های حکمرانی پرداخته است (برای نمونه بنگرید: حســینی تاش و واثق، ۱۳۹۳؛ حیدری، ۱۳۹۵؛ ســالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱؛ شــاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲؛ محمدعلیپور و رحیمی عماد، ۱۳۹۲؛ ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱؛ یوســفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴)؛ ازطرف دیگر، امروزه گریزی از مفاهیم حکمرانی نداریم. با توجه به ظهور رقیب‌ها و بازیگران متعدد در عرض دولت، حکومت نیازمند به‌کارگیری شــیوه‌های جدیدی در چینش این بازیگران است و باید نظریهٔ مختص به خودش را در حکمرانی ایجاد کند.

درواقع حکمرانی به دنبال بازسازی یکی از مهم‌ترین روابط موجود در هر جامعه، یعنی «رابطهٔ پیروی» اســت. به همین دلیل، اینکه چه کسی از چه کسی پیروی کند و ساختار این پیروی چگونه باشــد، یا چرایِ پیروی از افراد خاص اهمیت وافری می‌یابد. هر حکومت و جامعه‌ای که به دنبال ســاخت تمدن پایدار و ایجاد نظم خاص مبتنی‌بر ارزش‌های خویش اســت، ناگزیر از ساخت و اعمال اقتدار روی تعدادی از بازیگران نامتجانس اجتماعی است. چینش بازیگران و تعیین نسبت و روابط آن‌ها برای اعمال اقتدار در ادبیات دنیای غرب با مفهوم «حکمرانی» شناخته می‌شود (گلیزر جوکن،[1] ۲۰۱۲: ص ۱).

یکــی از خلأهای جدی برای تحقق کامل انقلاب اســلامی عدم تســری نظام ولایت فقیه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاســی، فرهنگی وغیره است؛ به‌عبارت دیگر، با تحقق انقلاب در ۱۳۵۷، نظام اســلامی تحقق یافته اســت، اما هنوز دولت اســلامی ظهور نکرده است

1. Glaser Jochen

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

(خامنه‌ای، ۱۳۸۰: بیانات در دیدار با کارگزاران نظام). برای تحقق دولت اسلامی نیازمند تبیین دقیق الگوی پیروی اســـلامی و نحوهٔ چینش بازیگران در جمهوری اسلامی هستیم. اگرچه پژوهش‌هایی در باب حکمرانی اسلامی شـــکل گرفته است، غالباً به ویژگی‌های شخصی حکمران پرداخته‌اند و صرفاً مقدار اندکی به چگونگی سازوکارهای حکمرانی توجه کرده‌اند. حکمرانی صرفاً برخورد بالا به پایین و سلسله‌مراتبی با انسان‌ها نیست، بلکه گونه‌های مختلف دیگری اعم از بازاری و شبکه‌ای نیز دارد. آنچه در ادبیات اســـلامی و به‌ویژه قرآن آمده اســـت، حاکی از یک نظام انسانی پیروی در جامعه اســـت. این نظام پیروی را می‌توان در پرتو مفاهیمی همچـــون اطاعت، تبعیت و ولایت در قرآن کریم پیگیری کرد.

در پژوهش حاضر سعی شده است جلوه‌هایی از مفهوم حکمرانی اسلامی در پرتو واژهٔ «تبعیت» در قرآن کریم ارائه شـــود. برای ورود دقیق‌تر به معـــارف قرآن کریم، لازم بود مفهوم رایج حکمرانی بررسی شود؛ بنابراین، در ادامه به مفهوم حکمرانی پرداخته می‌شود. در این بررسی روشن می‌شود مفاهیـــم کلیدی حکمرانی و جوهرهٔ آن چیســـت. این مفاهیم کلیدی به مـــا قابلیتی خواهند داد که پژوهش قرآنی مناســـب‌تری را رقم بزنیم. همچنین، محورها و سؤال اصلی حکمرانی را نیز در این بخش خواهیم یافت. با بررســـی حکمرانی مشخص می‌شود سه محور اصلی تابع، متبوع و تبعیت از اهمیت زیادی در تبیین مدل حکمرانی برخوردار اســـت. سپس با تبیین روش مختار این مطالعه و ارائهٔ گام‌های طی‌شـــده، به ارائهٔ مدل حکمرانی قرآنی می‌پردازیم که در این مطالعه به آن دســـت یافته‌ایم. همچنین، در بخش جمع‌بندی، برخی از مهم‌ترین نکات و مســـیرهای پیشـــنهادی برای مطالعات آتی ترسیم شده است.

حکمرانی: ماهیت و ریشه‌ها

امروزه لفظ حکمرانی نُقل محافل علمی و اجرایی کشـــور شـــده است. هرکس با هر سلیقه‌ای تمایل دارد از این لفظ اســـتفاده کند تا مراد خودش را برساند. گاهی مراد از آن «حکمرانی خوب» و گاهی مدیریت و گاهی هم حکومت اســـت. البته این مشـــکل فقط در داخل ایران مطرح نیست، بلکه در خارج از کشـــور نیز این لفظ به یک کلمهٔ روزمره[1] تبدیل شده است (مولمان،[2] ۲۰۰۸: ص ۹). دانشجویان مدیریت دولتی با تنوعی درحال گسترش و اغلب گیج‌کننده از معانی و کاربردهای عبارت حکمرانی مواجه شـــده‌اند که همچنان به‌طور عمومی توسط روزنامه‌نگاران، سیاست‌گذاران

1. buzzword
2. Meuleman

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

و دانشمندان استفاده می‌شود (لین،[1] ۲۰۱۰: ص ۲). این امر باعث شده است که لفظ حکمرانی تا مرز بی‌معنایی نیز کشیده شود تا اینکه به قول پیترز تعریف‌های «این‌همانی»[2] از حکمرانی (برخی از کارهایی که در بیرون اتفاق می‌افتند به معنای حکمرانی اســت) رواج یابد (پیترز،[3] ۲۰۰۰: ص ۳۵). به عقیدهٔ جســوپ، حکمرانی یک واژهٔ فازی اســت که می‌تواند تقریباً برای هرچیزی به‌کار بــرود ولی هیچ چیزی را تبیین و توصیف نکند (جســوپ،[4] ۲۰۰۲: ص ۴). اما واقعاً حکمرانی به چه معناست؟

کِتل حکومت را به‌عنوان تشکیلات و تابع نهادهای عمومی تعریف کرده و به عقیدهٔ او حکمرانی عبارت اســت از راهی که حکومت از آن طریق وظایفش را عمل می‌کند؛ به عبارت ساده‌تر، کاری که حکومت می‌کند همان حکمرانی اســت (کتل،[5] ۲۰۰۲: xi). رودز[6] در فصل ســوم کتاب فهم حکمرانی[7] که برگرفته از یک ســخنرانی او در ۱۹۹۵ است، به شش استفادهٔ رایج از واژهٔ حکمرانی اشاره می‌کند (رودز، ۱۹۹۵: ص ۶۵۳؛ همو، ۱۹۹۷: ص ۴۷).

اســتوکر[8] نیز در مقاله‌ای به همین مفاهیم اشاره و پنج معنی مربوط به حکمرانی را بررسی کرده است. این مقاله در برهه‌های مختلف زمانی به چاپ رسیده است (استوکر، ۱۹۹۸، ۲۰۱۸). علی فرازمنــد از نظرگاه بین‌المللی به پدیدهٔ حکمرانی پرداختــه و در کتابی با عنوان حکمرانی مطلوب[9] این نگاه را تبیین کرده اســت که به نوعی در مقابل نظریهٔ حکمرانی خوب که بسیار ارزش‌محور[10] و هنجارمدار است، مطرح شده اســت (فرازمند، ۲۰۰۵). کویمان[11] از منظر سایبرنتیک اجتماعی، حکمرانی را «الگوی درحال ظهور برآمده از حکومت کردن[12]» می‌داند؛ به‌عبارتی دیگر، حکمرانی همان الگو یا ساختاری است که در یک نظام اجتماعی‌ـسیاسی به‌عنوان یک نتیجه یا پیامد معمولی

1. Lynn
2. tautology
3. peters
4. Jessop
5. Kettl
6. Rhodes
7. Understanding governance
8. Stoker
9. Sounds governance
10. value-laden
11. Kooiman
12. governing

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

تعامل بین کنشگران حاضر در آن نظام ایجاد می‌شود (کویمان، ۱۹۹۳: ص ۲۵۸؛ همو، ۲۰۱۳). فردریکسون[1] و همکارانش نیز حکمرانی را «کوششی برای فهم روابط افقی و نهادی[2] اداره در بستر دولت منفصل از همدیگر» قلمداد کرده‌اند (فردریکسون و همکاران، ۲۰۱۲: ص ۲۴۴). مولمان (۲۰۰۸: ص ۱۱) نیز در یک تعریف وسیع‌تر می‌گوید: «حکمرانی کلیت تعاملات[3] است که حکومت، دیگر تشکیلات عمومی، بخش خصوصی و جامعهٔ مدنی در طی این تعاملات با یکدیگر مشارکت می‌کنند و برای حل مسائل اجتماعی یا خلق فرصت‌های اجتماعی هدف‌گذاری می‌کنند».

وقتی جنبهٔ رابطه‌ای در مفهوم وسیع حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است، برخی دانشمندان ترجیح داده‌اند آن را مترادف با حکمرانی شبکه‌ای استفاده کنند (برای مثال بنگرید: لی، ۲۰۰۳: ص ۲؛ ووس،[4] ۲۰۰۷: ص ۲۴) ولی به صورت کلی سبک و سیاق رابطهٔ تبعیت می‌تواند به سه شکل سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای وجود داشته باشد (رودز، ۱۹۹۷: ص ۴۹)؛ بنابراین، اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران حکمرانی را در معنای ضیق آن یعنی حکمرانی شبکه‌ای به‌کار برده‌اند، حکمرانی در معنای وسیع‌تر آن شامل همهٔ روابط می‌شود که سه گونه ایدهٔ آن سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای هستند.

بررسی مطالعات مربوط به حکمرانی بیانگر آن است که شکل عام و کلاسیک حکمرانی شامل سه گونهٔ سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای است. البته برخی نویسندگان گونهٔ چهارمی را با عناوین مختلف همانند اجتماعات[5] و همبستگی[6] به آن اضافه می‌کنند (کاپانو[7] و همکارن، ۲۰۱۵: ص ۲۳۹).

برای بیان ریشه و خردمایهٔ مفهوم حکمرانی لازم است به کارهای ماکس وبر[8] در زمینهٔ پایداری حکومت‌ها و بروز نظریهٔ بوروکراسی وی اشاره شود. نظریهٔ وبر براساس یک نگاه توصیفی-تاریخی، یکی از مهم‌ترین ریشه‌های نظری حکمرانی و نظام روابط پیروی در جامعه است و با فهم آن

1. Frederickson
2. lateral and institutional relations
3. interactions
4. Voss
5. Communities
6. olidarity
7. Capano
8. Max Weber

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

می‌توان بســیاری از آبشــخورهای نظریه‌های حکمرانی در غرب را پیگیری کرد و عمق آن مفهوم را به‌درستی شناخت.

وبر نظریه‌پرداز بوروکراســی اســت، ولی دغدغهٔ اصلی وی چه بود که به این نظریه رسید؟ او مسئلهٔ اصلی خودش را پایداری حکومت‌ها می‌داند و برای تشریح این مسئله، بررسی‌های خودش را در مفهوم سلطه یا اقتدار متمرکز می‌کند. ازنظر او هیچ جامعه و تمدنی بدون وجود روابط اقتدار یا ســلطه امکان تداوم ندارد. وبر براساس مطالعات تاریخی و میدانی خود، سه نوع اقتدار را کشف کرد: اقتدار سنتی، اقتدار کاریزماتیک و اقتدار عقلایی‌ـقانونی که به دستگاه اداری بوروکراسی منجر می‌شود. در هر یک از گونه‌های اقتدار، نوع خاصی از روابط حاکم و محکوم برقرار بوده است، ولی در همهٔ آن‌ها یک امر مشترک است و آن عبارت است از اینکه حاکم حق خودش می‌داند که پیروی شــود و محکوم وظیفهٔ خودش می‌داند که پیروی کند. وبر با ردکردن اقتدار ســنتی و کاریزماتیک، برای پایداری حکومت‌ها اقتدار عقلایی‌ـقانونی و دســتگاه اداری بوروکراتیک را تجویز می‌کند که بعدها به‌عنوان گونهٔ حکمرانی سلسله‌مراتبی شناخته می‌شود؛ بنابراین، مسئلهٔ اصلی وبر که سرمنشأ پیدایش نظریه‌های حکمرانی شده است، پایداری روابط اقتدار در جامعه بوده است (واترز و واترز،[1] ۲۰۱۵؛ موزلیس،[2] ۲۰۰۸).

بنابراین، از مجموع مباحث ارائه‌شده در حکمرانی می‌توان نتیجه گرفت جوهر حکمرانی رابطهٔ تبعیت و جریان پیروی است. همچنین، در موضوع تبعیت سه محور اساسی وجود دارد که بسیاری از اندیشمندان به پیروی از وبر و بر آن اساس نظریات خود را تنظیم کرده‌اند: حاکم، محکوم و رابطهٔ تبعیت که در این مقاله آن را تابع، متبوع و تبعیت نامیده‌ایم.

روش‌شناسی مطالعهٔ قرآنی

شــیوه و منطق حاکم بر مطالعــه، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفســیر قرآن به قرآن بوده اســت. در این روش هشت گام اساسی طی می‌شود: ۱. تحدید و مشخص کردن موضوع تحقیق، ۲. مشــخص کردن کلیدواژه‌های مناسب، ۳. احصای آیات از ریشهٔ مدنظر و سیاق آن‌ها، ۴. قرائت مکرر آیات احصاشده، ۵. مطالعهٔ آیات در رکوعات، ۶. شکل‌گیری مدل اولیه، ۷. مراجعه به تفاســیر معتبر و ۸. طراحی مدل نهایی از منظر قرآن کریم (مسعودی‌پور و سپهری، ۱۳۹۴: ص ۹۴ـ۹۰). مراحل طی‌شده در این پژوهش به‌صورت زیر است:

1. Waters
2. Mouzelis

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

۱. تحدید و مشخص کردن موضوع تحقیق: در این مرحله به بررسی ادبیات حکمرانی پرداخته شـد و تلاش شد عناصر محتوایی اصلی آن اسـتخراج شود. همان‌طور که در بخش مقدمه و بیانیهٔ مسئله آمده است، کلیدی‌ترین مفهوم در ادبیات حکمرانی، پیروی و تبعیت بود.

۲. مشـخص کردن کلیدواژه‌های مناسب: با راهنمایی و مشـورت دو خبرهٔ مطالعات قرآنی و عرضـهٔ مباحث حکمرانی به آن‌ها، به بررسـی مفاهیم اصلی مرتبط در قرآن پرداخته شـد. پس از بررسـی‌های صورت‌گرفته، چند واژهٔ اصلی در میان واژگان قرآنی به بحث‌های مرتبط با حکمرانی نزدیک‌تر رسـید: تبعیت، اطاعت و ولایت. به‌نظر می‌رسـد از میان این واژگان واژهٔ تبعیت قرابت مفهومی بیشتری دارد.

مرحـوم مصطفوی در التحقیق معنـای اصلی تبع را به دنبال چیزی بودن و حرکت پشـت آن می‌داننـد، چه حرکت مـادی و چه معنوی و چه اینکه تبعیت عملی باشـد و یا اینکه تبعیت فکری در آن باشـد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج۱: ص ۳۷۷) و استعمالات قرآنی متعددی نیز این معنا را تأیید می‌کند؛ به‌طور خاص اسـتعمالات که در معنایی غیـر از معنای خاص آن، یعنی پیروی کردن، در قرآن به‌کار رفته است مثل «فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ **مُتَتَابِعَيْنِ**» (نساء: ۹۲) و یا «إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ **فَأَتْبَعَهُ** شِهَابٌ مُّبِينٌ» (حجر: ۱۸) و دیگر موارد به ریشهٔ معنایی آن اشاره دارد و نشان می‌دهد اصل معنایی به دنبال بودن و حرکت کردن پشـت چیزی اسـت که در معنای خاص پیروی کردن به‌کار رفته است؛ بنابراین، معنای خاص موردنظر این مقاله از حکمرانی در این واژه ملحوظ است.

مراحل سـه تا هفت، که در روش تحقیقات قرآن ذکر شد، به‌صورت زیر طی شده است. شایان ذکر اسـت این مراحل به‌صورت رفت‌وبرگشتی صورت گرفته است و در اینجا برای ارائهٔ منسجم به این سه دسته تقسیم شده‌اند.

۳. جست‌وجوی قرآن کریم و استخراج آیات مرتبط و دسته‌بندی اولیه براساس طبقه‌بندی قرآنی برای بررسی ساده‌تر: این دسـته‌بندی آیات را به «آیات غیرمرتبط» و «آیات مرتبط» تقسیم و سپس آیات مرتبط به پیروی از حق (خدا، رسولان الهی، مؤمنان و سایر) و پیروی از باطل (شیطان و هوای نفس، طاغوت و ائمهٔ کفر، بدکاران و سایر) تقسیم می‌کند.

۴. سـپس با رویکرد موردنظر، که بیشـتر وجه توصیفی تبعیت مدنظر بوده است، به مطالعه و تفکر در آیات اقدام شـد. در این بررسـی به صرف آیات اکتفا نشد، بلکه آن‌ها در کنار سایر آیات و سیاق مورد بررسـی قرار گرفت و در مواردی هم برای دریافت دقیق‌تر از موضوع به تفاسیری مانند المیزان فی تفسیر القرآن و تفسیر نمونه مراجعه شد.

توضیح بیشـتر آنکه مفاهیم اسـتنباطی اولیه از قرآن نسـبت‌به تبعیـت و واژگان مرتبط با آن،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

مفاهیمی نزدیک به تبعیت از حق، شـــریک نگرفتن برای خداوند وغیره اســـت. اما این مقاله برای آنکه بتواند دلالت‌های روشـــن‌تری در زمینهٔ حکمرانی استنباط کند، رویکردی توصیفی (چگونگی تبعیت) به خود گرفت تا بتواند ناظر بر پرســـش‌های حکمرانی، پاســـخ‌گویی بهتری داشـــته باشد؛ درواقع، سؤال‌های مســـتخرج از حکمرانی بیشتر جنس توصیفی (چگونگی) دارند تا تجویزی، به همین منظور رویکرد بررسی قرآنی ما نیز با این رویکرد پیش گرفته شد.

همان‌گونه که گذشـــت، حکمرانی معانی بســـیار گســـترده و فراوانی دارد و اکثر صاحب‌نظران در بررســـی مفهوم حکمرانی از مباحث ماکس وبر در زمینهٔ اقتدار بهـــره برده‌اند؛ به‌عبارت دیگر، برای تبیین ماهیت اصلی حکمرانی و مســـئلهٔ اصلی حوزهٔ حکمرانی می‌توان به روابط اقتدار اشاره کرد. در این پژوهش نیز سعی شده اســـت مبتنی‌بر این سؤال اصلی، پاسخ‌های قرآنی برای آن ذکر شـــود. در هر رابطهٔ اقتدار، یک حاکم، یک محکوم و یک رابطهٔ تبعیت بین آن‌ها وجود دارد که وبر آن‌ها را با عناوین حاکم[1] و محکوم[2] دســـته‌بندی و رابطهٔ تبعیت را در ســـه گونهٔ کاریزماتیک، سنتی و عقلایی‌ـقانونی ارائه کرده بود. حال در ادبیات قرآنی می‌توان برای این ســـه سؤال نیز پاسخ یافت. در محور تابع، ســـؤال این است که چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی ناظر به شخص در تبعیت محوری و مهم‌اند؛ به‌عبارت ســـاده‌تر، چه می‌شود که شخص (از جانب خودش) از یک شخص یا یک چیز تبعیـــت می‌کند. محور متبوع به این می‌پردازد که چه ویژگی‌هایی در متبوع می‌تواند تبعیت به دنبال داشته باشد؛ به‌عبارت دیگر، متبوع با چه مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی می‌تواند تبعیت بیشتری را جذب کند. در محور تبعیت به دنبال پرسش‌هایی از قبیل علت، ارکان، اثرات و ابزارهای تبعیت بودیم. در مطالعهٔ پیش‌رو به بررسی یکی از این واژگان یعنی «تبعیت» پرداخته‌ایم و سعی داشته‌ایم سه محور بیان‌شده را با تمرکز بر واژهٔ تبعیت از قرآن استخراج کنیم.

۵. سپس سعی شد به این نکات، که در ابتدا ذیل سه مؤلفهٔ کلی (تابع، متبوع و تبعیت) برچسب خوردند، در طول بررســـی نیز برچسب‌های مقتضی اضافه شود و پس از اتمام کار به بررسی دوبارهٔ این برچسب‌ها پرداخته شـــد و تغییراتی در آن‌ها صورت گرفت. در این بررسی گاهی جایگاه اولیهٔ آیات در محورهای اصلی نیز تغییر کرده اســـت. نکات و تدبرات مرتبط با تبعیت در جداول پیوست انتهای مقاله ذکر شده‌اند.

۶. طراحی مدل نهایی از منظر قرآن کریم: در نهایت نیز به جمع‌بندی و ارائهٔ این نکات پرداخته شد و تلاش شد به‌صورت یکپارچه و منسجم تحلیل و ارائه شوند.

1. ruler
2. ruled

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

تجزیه و تحلیل: ارائهٔ مدل قرآنی

پس از طی‌کردن پنج مرحلهٔ اولیهٔ روش‌شناسی اشاره‌شده، به بحث و جمع‌بندی نکات ناظر به سه بخش اصلی یعنی تابع، متبوع و تبعیت پرداخته و درواقع سعی شد مدل کلی حکمرانی در قرآن ترسیم شود. در ادامه، ناظر به هر کدام از این سه مؤلفهٔ اصلی، مهم‌ترین زیرمؤلفه‌ها و نکات استنباطی از قرآن کریم عرضه می‌شود.

تابع

الف ـ آگاهی تابع: مردم در زندگی دنیا، به دنبال یافتن علم یقینی برای تبعیت نیستند و به علم اجمالی اکتفا می‌کنند؛ بنابراین، عوامل دیگر نقش پررنگ‌تری نسبت‌به آگاهی بازی می‌کنند. بدون آگاهی و شناخت متبوع هم تبعیت ممکن است، همان‌طور که انسان بدون آنکه شیطان را ببیند از آن تبعیت می‌کند و اصلاً این حربه‌ای برای ایجاد تبعیت است. زیرا شیطان و جنود او درصورتی که آشکار باشند، کسی از آن‌ها تبعیت نمی‌کند. دشمنی آن‌ها آشکار و مبین است به همین خاطر خود را پنهان می‌کنند و به‌صورت پنهانی دیگران را به تبعیت از خود وامی‌دارند و این درصورتی است که با آشکارشدن حق، تبعیت بیشتری به دنبال خواهد داشت.

به‌نظر می‌رسد شخص قطعاً باید برای تبعیت علم اجمالی داشته باشد تا تبعیت کند که قرآن سطوحی از آگاهی را هم برای آن‌ها اثبات می‌کند. یعنی تابع باید حداقل با شناختی اجمالی متبوع را بشناسد. به همین سبب خداوند گمراهان را عذاب می‌کند. هرچند پس از آنکه به ماهیت و اثر عملشان پی می‌برند، از متبوع رویگردان می‌شوند؛ بنابراین، قطعاً سطحی از ناآگاهی داشته‌اند.

البته خداوند مواردی را هم ذکر می‌کند که باوجود مراتب بالای آگاهی، تبعیت نمی‌کنند و حتی می‌فرماید اگر مراتب بالایی هم به آن‌ها داده شود، تبعیت نخواهند کرد. در این حالت می‌توان گفت مراتب بالای آگاهی هیچ‌گاه به‌صورت قطع به تبعیت منجر نخواهد شد و آگاهی را باید شرط لازم تبعیت بدانیم نه شرط کافی.

اثرات تبعیت با آگاهی و بدون آگاهی متفاوت است. به‌نظر می‌رسد تبعیت درصورتی اثرات کاملی دارد که آگاهی در آن وجود داشته باشد. مهم‌ترین اثر تبعیت یعنی هم‌شکلی تابع و متبوع یا به‌عبارت دیگر، قرابت زیاد آن دو در حالتی اتفاق می‌افتد که آگاهانه باشد. مثلاً دربارهٔ قوم فرعون که این آگاهی بسیار وجود دارد و فرعون امام آن‌ها و آن‌ها یک امت خوانده می‌شوند.

قرآن وزن آگاهی حصولی در تبعیت را کم‌رنگ می‌کند و به امور گرایشی اهمیت بیشتری می‌دهد. هرچند مراتب بالای شناخت می‌تواند تبعیت مؤثری را به همراه داشته باشد، مراتب پایین

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

علم حصولی، اثرات کمی نسبت‌به سایر علل مثل گرایش دارد. مواردی مثل بلعم باعورا به‌روشنی این امر را اثبات می‌کنند.

بنابراین، سطوح بالای علم که از جنس حضوری است، احتمال تبعیت بالاتری دارد؛ هرچند قطعی نیست و عوامل دیگر ممکن است این تبعیت را خدشه‌دار کنند. در سطوح پایین علم که اکثراً در امور دنیا از چنین علمی استفاده می‌شود، ممکن است تابع به‌درستی و به کنه، متبوع را نشناسد اما از خواست و امر او تبعیت کند؛ البته که در این حالت نیز سطحی از آگاهی حضور دارد.

ذکر این نکته ضروری است که «باور» متفاوت است. اگر مردم به شخص یا چیزی باور داشته باشند، تبعیت از شخص یا چیز دیگری که باورهایشان را زیرسؤال ببرد و یا با آن در تعارض باشد، معمولاً موفق نخواهد بود.

ب ـ ویژگی تابع: فهم در کنار گرایش فرمولی است و قرآن بارها تکرار می‌کند در این فرمول با توجه به اینکه از فهم با لفظ «ظن» یاد می‌کند، نشان می‌دهد که گرایش نقش مؤثرتری در تبعیت دارد. به‌نظر می‌رسد محمل و جایگاه گرایش نیز قلب است. قرآن قلب و اینکه در قلب چه می‌گذرد را به متغیرهای تبعیت اضافه می‌کند. اینکه قلب در چه حالتی باشد بر تبعیت اثرگذار است. تأثیر عمل هم بیش از همه در قلب است که تبعیت‌هایی را در آینده شکل می‌دهد یا نمی‌دهد؛ بنابراین، با وارد کردن مرتبه‌ای به نام قلب در انسان تحلیل‌ها کاملاً متفاوت خواهد شد.

مهم‌ترین ویژگی تابع، که قرآن به کرات نام برده، هوا و هوس تابع است. به‌نظر می‌رسد ترجمهٔ امروزی آن منفعت‌طلبی تابع است. هوا و هوس به نسبت آگاهی تابع نیز مرتبهٔ بالاتری در تبعیت کسب می‌کند؛ یعنی شخص معمولاً از هوایش تبعیت می‌کند تا آگاهی‌اش. مصداق خیلی روشن آن بلعم باعوراست که حتی آیات الهی به او داده شده بود، اما او به دنیا گرایش داشت.

همچنین، «سوء عمل» هم از مؤلفه‌های مهم است که درواقع نوعی کیف و لذت در نفس شخص ایجاد می‌کند که آن را به علم ترجیح می‌دهد؛ به‌عبارت دیگر، شخص که از هوای خود تبعیت می‌کند درواقع از مرتبه‌ای از علم حضوری تبعیت می‌کند که لذت آن را چشیده است، هرچند باطل و زودگذر باشد.

منافع خویشاوندی نیز از علل تبعیت یا رد آن است، البته منافع فردی همچنان اولویت دارد. علقه و وابستگی‌های شخص به امتی (به معنای اعم آن) که به آن احساس تعلق می‌کند نیز یکی دیگر از ویژگی‌های تابع است. در این دو حالت تابع منیّت خود را به سطح خویشاوند و امت گسترش داده است.

تبعیت‌های پیشینی و مسیری که شخص طی کرده است در انتخاب مسیر آتی و تبعیت آتی نیز اثرگذار است. این را می‌توان هم از جنبهٔ اثری که بر قلب او گذاشته است دید و هم ازنظر علقه به

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

مسیر و مواردی از این دست.

بنابراین، سه متغیر اصلی در انسان برای پیش‌بینی تبعیت وجود دارد: آگاهی و علم (ذهن/ قلب)، گرایش (قلب) و منفعت (نفس). ترکیب‌های مختلف این‌هاست که تبعیت را در انسان شکل می‌دهد. به‌نظر می‌رسد با توجه به تکرار و تأکید قرآن، مهم‌ترین آن‌ها منفعت در مرتبهٔ بعدی گرایش و در آخر آگاهی قرار گیرد.

متبوع

به‌صورت کلی، قرآن چیزی را که حق باشد، با توجه به تطابقی هم که با فطرت دارد، شایستهٔ تبعیت می‌داند، اما به‌صورت توصیفی، قرآن کریم برای متبوع ویژگی‌هایی را ذکر می‌کند که عبارت‌اند از:

- دارای فضل و برتری است: به این معنا که متبوع دارای فضلی باشد که تابع را قانع کند از او تبعیت کند. این اقناع می‌تواند به امور مختلف برگردد که در ابزارها اشاره خواهد شد، اما وجه اصلی‌اش این است که متبوع صاحب اسباب باشد. یکی از وجوه معجزات الهی نیز، که برای اثبات نبوت پیامبران الهی آورده می‌شود، اثبات فضل و برتری پیامبران است که دیگران را در تبعیت از ایشان قانع می‌کند.
- استقلال و تمایز متبوع: عدم وابستگی و اتکا به غیر در متبوع برای تابع مهم است.
- خیرخواهی، امین و راستگو بودن.
- علم عملی داشتن برای هدایت متبوع به‌صورتی که مورد اعتماد تابع قرار گیرد.
- اطمینان‌بخش بودن متبوع.
- حس قرابت: اهلیت و از خود بودن متبوع درعین اینکه فضل دارد. گره‌های مختلفی می‌تواند بین تابع و متبوع زده شود، از گرهٔ قومیتی تا نژادی وغیره.

تبعیت

متبوع و تبعیت جدا هستند و تبعیت می‌تواند متفاوت از متبوع شکل بگیرد. اینکه متبوع چه باشد یک امر است و اینکه تبعیت نسبت‌به آن چگونه شکل بگیرد، امر دیگری است. در این معناست که می‌توان بحث‌های مختلفی مثل انواع تبعیت را پیش کشید.

الف ـ ارکان تبعیت: به‌نظر می‌رسد با توجه به آیات مختلف می‌توان سه مؤلفهٔ زیر را از ارکان تبعیت دانست:

- ایمان و قبول داشتن متبوع،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

- مؤثر دانستن وعده و وعید متبوع،
- جهان‌بینی، ایدئولوژی و نظام ارزشـــی: مواردی مانند اینکه شـــخص به غیب اعتقاد داشته باشـــد یا نباشد از ارکان تبعیت به‌حســـاب می‌آیند به‌صورتی که در تعیین متبوع، تابع وغیره بسیار مؤثر خواهند بود.

ب ـ علت تبعیت: با توجه به اینکه در تبعیت دو طرف یعنی تابع و متبوع وجود دارد، علت تبعیت همواره از جانب متبوع نیست. یعنی چنین نیست که همه به‌خاطر خود متبوع از او تبعیت کنند و یا به او باور کافی داشته باشند، بلکه نوعی از تبعیت وجود دارد که می‌توان به آن تبعیت ابزارگونه گفت؛ در این نوع از تبعیت، علت تبعیت منطبق و در جهت متبوع نیســـت و متبوع به‌خاطر چیز دیگری تبعیت می‌شود. با توجه به این مقدمه و براساس آیات مختلف، می‌توان موارد زیر را علل تبعیت برشمرد:

- محبت (بیشتر از جانب تابع به متبوع، رابطهٔ دو طرفه)،
- پیروی از آبا (سنت)،
- خوف و خشیت/ رجا و امید،
- میـــل و یا طبیعت تابـــع: تطابق متبوع با میـــل و یا طبیعت تابع که گاهی ممکن اســـت با نیازسازی به‌وجود آید.

ج ـ اثـــرات تبعیت: نزدیکی و قرابت تابع و متبوع از مهم‌ترین اثرات تبعیت اســـت. البته اثرات مختلف دیگری برای تبعیت ذکر شده است، اما به‌نظر می‌رسد آن‌ها تبعیِ این اثر هستند.

د ـ ابزارهای تبعیت: خداوند در قرآن بیش از همه ابزارهای تبعیت یعنی وسایلی که با دستاویزی بـــه آن‌ها چه جانب حق و چه جانب باطل به دنبال ایجاد تبعیت هســـتند را برمی‌شـــمرد و البته در جانب حق جنبهٔ انگیزه‌بخشی دارد و در جانب باطل جنبهٔ انذار. خداوند در سورهٔ اسراء طریقه‌های اصلی اثرگذاری را برمی‌شـــمرد که این طریقه‌ها درواقع مثل چهار کارویژه یا کارکردی هســـتند که برای تبعیت باید در آن‌ها فعالیت و کار کرد. مواردی که نام برده شـــده است از جنس ابزار و تکنیک خرد نیســـتند، بلکه کلان و کلی هســـتند و همان‌طور که اشاره شد، از جنس کارکرد هستند که خود می‌توانند زیرنقش‌های فراوانی را دربرگیرند که عبارت‌اند از:

- تبلیغ: در آن متبوع برای ایجاد تبعیت تبلیغ می‌کند و به‌طور خاص وعده می‌دهد که ممکن است صادق و یا کاذب باشد. تکرار کردن نیز یکی از شیوه‌هاست.
- نیـــروی ویژه[1]: برای ایجاد تبعیت، به نیروی متخصص و ویژه برای افراد و امور مختلف نیاز

۱. منظور از نیروی ویژه افراد و یا گروه‌هایی هســـتند که برای اثرگذاری و ایجاد تبعیت در گروه هدف، تعلیم دیده و از امکانات و ابزار مناسب نیز برخوردارند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

است. برای همه نمی‌توان به یک نحو برنامه‌ریزی و آن را اجرا کرد و گروه‌ها و امور مختلف تحت تبعیت، نیروی متناسب خود را می‌طلبند.

- طریقهٔ مالی: در آیات قرآن از این مؤلفه با عنوان مشارکت مالی یاد شده است.
- طریقهٔ تربیت و اثرگذاری در نسل که با عنوان مشارکت در اولاد یاد شده است.

علاوه‌بر این موارد کلان، خداوند از ابزارها و تکنیک‌های مختلف نام می‌برد. شـــاید بتوان این تکنیک‌ها و روش‌ها را در همه و یا برخی از موارد بالا به‌کار برد:

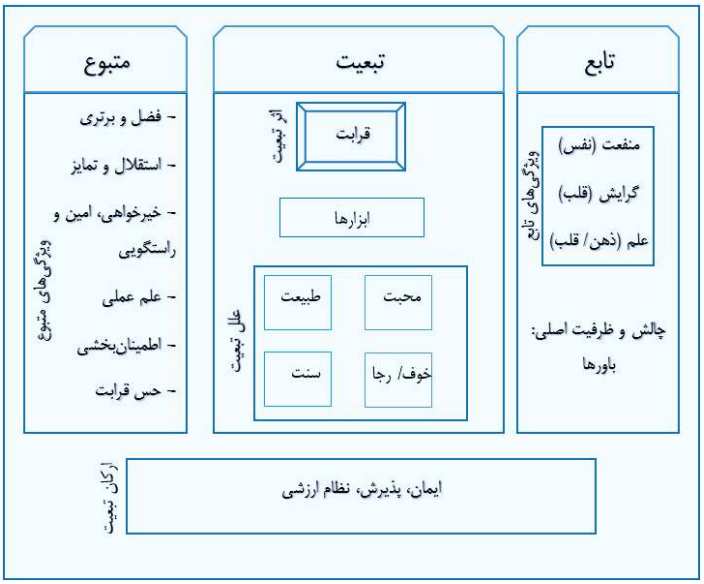
- وعده و وعید دادن؛
- نسبت خیر دادن به تابعان؛
- زیرســـؤال بردن ویژگی‌های متبوع به انحای مختلف (با اتهام به دروغ‌گویی، قســـم خوردن وغیره)؛
- تحت‌الحمایه بودن (ایمنی و امنیت‌بخشی)؛
- تصویرسازی از نعمت‌های حاصل از تبعیت و حسرت‌های حاصل از عدم تبعیت؛
- سدشکنی: اینکه عده‌ای سابقون امر باشند تا بقیه بتوانند پشت سر آن‌ها بیایند؛
- شاهدگیری: اینکه تابع یا تابعانی که قرابتی با تابعان دیگر دارند، تبعیت کرده باشد.
- گســـترده نشان دادن (و یا نشان دادن گســـتردگی) حوزهٔ تبعیت (اعم از تابعان و حوزهٔ نفوذ وغیره)؛
- جازدن خواستهٔ متبوع به‌جای خواستهٔ تابع؛
- اســـتفاده از منبعی صاحب اعتبار که شخص از پیش قبول دارد (استناد، ارجاع و استفاده از آن) و زیرسؤال بردن آن در موارد رد تبعیت؛
- اشاره به نو نبودن و قدیمی بودن متبوع به این معنا که مدت مدیدی است تبعیت می‌شود؛
- اینکه چه کسانی از متبوع تبعیت می‌کنند و تطابقش با شأنی که تابع برای خود قائل است.

خلاصه‌ای از مباحث یادشـــده در نمودار زیر ذکر شده است. طبق این نمودار، اصول و امهات در زیر قرار گرفته‌اند. این اصول درواقع اصول به معنای عرفی نیستند، بلکه ارکانی هستند که با تغییر آن‌ها فضای حاکم بر تبعیت به‌نحو محسوســـی تغییر می‌کند، مثل اینکه اعتقاد به غیب وجود داشته باشد یا نباشد.

ســـپس در سه محور اصلی یعنی تابع، متبوع و تبعیت به تلخیص نکات پیش‌گفته پرداخته شده است. تبعیت به این علت میان تابع و متبوع قرار گرفته است که طبیعتاً بسیاری از مباحث مطرح‌شده در آن به‌نحو نسبتاً مساوی به هر دو طرف مربوط می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]



نمودار ۱. مؤلفه‌های اصلی مرتبط با تبعیت در نسبت حکمرانی در قرآن

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد، در تبعیت باید به سه رکن تابع، متبوع و تبعیت پرداخت. در این مقاله سعی شـد این سه محور از منظر قرآن تشریح شود. در تابع، سـازوکار تبعیت یک شخص از منظر قرآن ترسیم شـد. یکی از سؤال‌های کلیدی در این محور، آگاهی و شـناخت تابع نسبت‌به متبوع بود؛ اینکه آیا تابع برای تبعیت باید از متبوع آگاهی داشته باشد یا بدون شناخت آن نیز تبعیت امکان‌پذیر است. به‌نظر می‌رسد شخص قطعاً باید برای تبعیت علم اجمالی داشته باشد تا بتواند تبعیت کند و قرآن سـطوحی از آگاهی را هم برای آن‌ها اثبات می‌کند. یعنی تابع باید حداقل با شناختی اجمالی متبوع را بشناسـد. البتـه تبعیت و اثرات آن بر تابع در مراتب مختلف آگاهی متفاوت اسـت، ولی درمجموع می‌توان گفت آگاهی شرط لازم تبعیت است نه شرط کافی.

همچنین، تأکید شـد که «باور» جدای از آگاهی اسـت و معمولاً اگر تبعیت از چیزی با باور مردم در تعارض قرار گیرد، شکست خواهد خورد.

در کل سـه متغیر اصلی در انسان برای پیش‌بینی تبعیت شناسـایی شد: آگاهی و علم (ذهن/ قلب)، گرایش (قلب) و منفعت (نفس). ترکیب‌های مختلف این موارد است که تبعیت را در انسان شکل می‌دهد. مهم‌ترین آن‌ها منفعت، در مرتبهٔ بعدی گرایش و در آخر نیز آگاهی قرار می‌گیرد.

محـور دیگرِ مدل حکمرانیْ متبوع اسـت. متبوع در قرآن دارای ویژگی‌هایی اسـت که در این

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

مقاله به تبیین آن‌ها پرداخته شـــد. مهم‌ترین ویژگی‌های یک متبوع داشـــتن فضل، استقلال و تمایز، خیرخواهی، امین و راســـتگو بودن، داشـــتن علم عملی برای هدایت، اطمینان‌بخش بودن و حس قرابت است.

اما همان‌طور که اشـــاره شد، متبوع از تبعیت جداست و تبعیت می‌تواند متفاوت از متبوع شکل بگیرد. در ترســـیم نگاه قرآن به تبعیت چند جزء در محور تبعیت به‌صورت جداگانه بررسی و ارائه شدند که عبارت‌اند از: ارکان، علت، اثرات و ابزارهای تبعیت.

تبعیت ارکانی دارد؛ ارکانی که با تغییر در آن‌ها کل سازوکار حاکم بر حکمرانی و تبعیت متفاوت خواهد شـــد. اینکه شخص به متبوع ایمان داشته باشـــد یا خیر؛ وعده و وعید متبوع را مؤثر بداند یا خیر. همچنین، جهان‌بینی، ایدئولوژی و نظام ارزشی حاکم از مهم‌ترین ارکان تبعیت هستند.

جـــزء دوم رابطهٔ تبعیت علت تبعیت اســـت. با توجه به اینکه در تبعیـــت دو طرف یعنی تابع و متبوع وجود دارد، علت تبعیت همواره از جانب متبوع نیســـت. یعنی چنین نیست که همه به‌خاطر خود متبوع از او تبعیت کنند و یا به او باور کافی داشـــته باشـــند. علل تبعیت در آیات قرآن مختلف ذکر شـــده‌اند: محبت (بیشتر از جانب تابع به متبوع، رابطهٔ دوطرفه)، پیروی از آبا (سنت)، خوف و خشیت/ رجا و امید و میل و یا طبیعت تابع.

همچنین، می‌توان تبعیت را دارای اثراتی دانســـت. نزدیکی و قرابـــت تابع و متبوع از مهم‌ترین اثرات تبعیت اســـت. البته قرآن اثرات مختلف دیگری برای تبعیت ذکر می‌کند، اما به‌نظر می‌رسد آن‌ها تبعیِ این اثر هستند.

جزء آخر محـــور تبعیت در مؤلفه‌های حکمرانی در قرآن، **ابزارهای تبعیت اســـت**. ابزارهای تبعیت در قرآن در دو دسته قرار می‌گیرند. دستهٔ اول کلان و کلی هستند و به‌نحوی نقش‌های اصلی را در این زمینه برمی‌شمرند. این موارد عبارت‌اند از: تبلیغ، نیروی ویژه، طریقهٔ مالی، طریقهٔ تربیت و اثرگذاری در نســـل. همچنین، قرآن ابزارهای خردتری برشمرده است؛ مواردی مثل وعده و وعید دادن، نسبت خیر دادن به تابعان، تحت‌الحمایه بودن (ایمنی و امنیت‌بخشی).

این مقاله تلاشـــی کوچک در راستای ترســـیم حکمرانی از منظر قرآن کریم بود و در این راستا برخی از مؤلفه‌ها و محورهای کلی ترسیم و تبیین شد. اینکه قرآن کامل‌ترین راهنمای بشر در مسیر ســـیر بشریت به ســـمت کمال، چگونه به تبعیت و راهبری انســـان نگاه می‌کند و اساس پیروی که جان‌مایهٔ حکمرانی است را چگونه می‌بیند، می‌تواند کاربرد چشمگیری در ترسیم حکمرانی ایرانی اسلامی داشته باشد.

اســـتفاده از نگاهی توصیفی در این مقاله می‌تواند در پژوهش‌های آتی بیشتر مورد استفاده قرار

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

گیرد تا بتوانیم با خود واقعی انســان و نحوهٔ هدایت آن به‌نحو بهتری مواجه شــویم. از همین مسیر اســت که می‌توان به‌نحو دقیق‌تر و جامع‌تری برای اســتقرار حکمرانی اصیل قدم برداشت. البته با توصیف خوب می‌توان تجویزهای بهتری نیز در این زمینه داشت.

هــر کدام از مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌هایی که در این مقاله به اختصار بیان شــد، باید دقیق‌تر بررســی و مطالعه شــوند و به ابزارها و عصر امروزی زندگی بشر نزدیک‌تر شوند. قطعاً این مؤلفه‌ها در زندگی امروز بشــر نیز حاضرند، اما نیاز اســت پژوهش‌های کاربردی متعددی برای ترسیم آن‌ها در زندگی امروز بشر و طراحی سازوکارهای مناسب هر کدام انجام شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

کتابنامه

۱. قرآن کریم.

۲. حسینی تاش، سید علی؛ واثق، قادرعلی. ۱۳۹۳. «**حکمرانی خوب و ارائهٔ حکمرانی شایستهٔ بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام**». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. شمارهٔ ۸. صص ۲۸ـ۷۸.

۳. حیدری، فریبا. ۱۳۹۵. «**قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز حکمرانی خوب**». صیانت از حقوق زنان. سال دوم. شمارهٔ ۲. صص ۱۶۲ـ۱۴۵.

۴. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۸۰. **بیانات در دیدار با کارگزاران نظام**. khamenei.ir.

۵. سالارزهی، حبیب‌الله؛ ابراهیم‌پور، حبیب. ۱۳۹۱. «**بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب**». مدیریت دولتی. شمارهٔ ۹. صص ۶۳ـ۴۲.

۶. سلیمی، جلیل؛ مکنون، رضا. ۱۳۹۷. «**فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسئلهٔ حکمرانی در ایران**». مدیریت دولتی. دورهٔ ۱۰. شمارهٔ ۱. صص ۳۰ـ۱.

۷. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه‌بزرگی، آمنه. ۱۳۹۲. «**نظریهٔ حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه**». پژوهشنامهٔ نهج‌البلاغه. شمارهٔ ۲. صص ۱۸ـ۱.

۸. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۵. **المیزان فی تفسیر القرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۹. محمدعلیپور، فریده؛ رحیمی عماد، سید رضا. ۱۳۹۲. «**علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و نظریهٔ حکمرانی خوب. مطالعهٔ موردی حکومت پهلوی دوم در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷**». پژوهشنامهٔ متین. شمارهٔ ۵۹. صص ۱۸۴ـ۱۵۹.

۱۰. مسعودی‌پور، سعید؛ سپهری، مهدی. ۱۳۹۴. «**روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای**». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. شمارهٔ ۲۱. صص ۹۸-۷۹.

۱۱. مصطفوی، حسن. ۱۳۸۵. **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: مرکز نشر آثار العلامه المصطفوی.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸. **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۳. ناظمی اردکانی، محمد. ۱۳۹۱. «**حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی**». راهبرد توسعه. شمارهٔ ۳۱. صص ۸۸ـ۶۴.

۱۴. یوسفی شیخ رباط، محمدرضا؛ بابایی، فهیمه. ۱۳۹۴. «**طراحی مدل حکمرانی خوب**

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

براســاس نامۀ مالک اشتر و مقایسۀ آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی». اقتصاد اسلامی. شمارۀ ۵۷. صص ۶۲ـ۳۱.

15. Capano, Giliberto. Howlett, Michael. Ramesh, M. 2015. **Varieties of Governance Dynamics, Strategies, Capacities**. New York: Springer.
16. Farazmand, A. Carter, R. 2004. **Sound governance: Policy and administrative innovations**. Greenwood Publishing Group.
17. Frederickson, H. G. Smith, K. B. Larimer, C. W. Licari, M. J. 2012. **The public administration theory primer**. Boulder, CO: Westview Press.
18. Gläser Jochen. 2012. **From Governance to AuthorityRelations?** Whitley, R., Gläser.
19. Jessop, B. 2002. "**Governance and meta-governance in the face of complexity: On the roles of requisite variety, reflexive observation, and romantic irony in participatory governance**". Participatory governance in multi-level context.
20. Kettl, D. F. 2002. **Managing indirect government**. In The tools of government: A guide to the new governance.
21. Kooiman, J. 1993. **Modern governance: New government - society interactions**. London. Sage.
22. 2013 _____. **Governing as governance**. London. SAGE.
23. Laurence, E. Lynn, Jr. 2010. **Governance**. Foundations of Public Administration.
24. Lee, Myungsuk. 2003. "**Conceptualizing the New Governance: A new institution of social coordination**". Bloomington. Paper presented at the Institutional Analysis and Development Mini-Conference in Indiana University.
25. Meuleman, Louis. 2008. **Public Management and the Metagovernance of Hierarchies, Networks and Markets**. The Netherlands. Physica-Verlag Heidelberg.
26. Mouzelis, N. P. 2008. **Organization and bureaucracy: an analysis of modern theories**. London. Routledge.
27. Peters, G. 2000. **Governance in the Twenty-first Century: Revitalizing the Public Service**. Montré al. McGill-Queen's University Press.
28. Rhodes, R. A. 1995. **The new governance: Governing without government**. Swindon. Economic and Social Research Council.
29. 1997 _____. **Understanding governance: Policy networks, governance, reflexivity and accountability**. Maidenhead. Open university press.
30. Stoker, G. 1998. "**Governance as theory: five propositions**". International Social Science Journal. Volume number 155.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

31. 2018 _____. **Governance as theory: five propositions**. International Social Science Journal. volume number 68.

32. Voss, Jan-Peter. 2007. **Designs on governance: Development of policy instruments and dynamics in governance**. PhD thesis. Enschede. University of Twente. School of Management and Governance.

33. Waters, Tony. Waters, Dagmar. 2015. **Weber's rationalism and modern society: new translations on politics, bureaucracy, and social stratification**. Palgrave Macmillan.

پیوست

جدول ۱. تدبرات مرتبط با تابع

تدبرات	مقوله	آدرس
ریشهٔ اثرات ایمان و عمل صالح و کفر و سد از سبیل دنبالهٔ تبعیت از حق یا باطل است (ذالک بان) و هر کدام از آن‌ها بدون تبعیت اثری نخواهند داشت. شاید از این آیه بتوان نقش آگاهی را، حداقل در اثرگذاری تبعیت، دید. بر این اساس، تبعیت درصورتی اثر دارد که آگاهانه باشد. چون حق و باطل که لزوماً عینی و مشخص نیستند؛ بنابراین، نیاز به بصیرت و شناخت از آن‌ها وجود دارد تا بتوان به دنبال آن‌ها رفت. به‌نظر می‌رسد آیه آگاهی را پیش‌فرض گرفته است.	آگاهی تابع	حمد: ۳ـ۱
در اینجا به آگاهی اشاره دارد و خداوند آثاری مانند جهنم را، که برای عدم تبعیت ذکر می‌کند، به آگاهی منوط می‌کند؛ بنابراین، آثار تبعیت آگاهانه و غیرآگاهانه تفاوت دارد و مثل اینکه قرآن وجود تبعیت غیرآگاهانه را هم تأیید می‌کند.	آگاهی تابع	نساء: ۱۱۵
این آیات به علم امت فرعون به او و اعتقادی که به او داشته‌اند اشاره دارد. به‌نظر می‌رسد این اعتقاد جمعی به فرعون است که آن‌ها را امت واحدی قرار داده است. در این آیات ندادهنده خطاب به امت می‌گوید جمع شوید تا درصورتی که ساحران پیروز شدند از آن‌ها یعنی دین آن‌ها، که همان فرعون است، پیروی کنیم نه اینکه جمع شوید تا از برندهٔ مبارزه که درواقع حق با اوست پیروی کنیم.	آگاهی تابع	شعرا: ۴۰ـ۳۹
به‌نظر می‌رسد به سطحی از عدم آگاهی تابع اشاره می‌کند. عدم آگاهی از اینکه قدرت در اختیار خداست، متبوع اسباب خاصی ندارد و اینکه خداوند عذاب‌کنندهٔ سخت است.... البته اینکه خدا آن‌ها را عذاب ابدی می‌دهد نشان می‌دهد هدایت به آن‌ها رسیده بوده است و باوجود علم از باطل تبعیت کرده‌اند.	آگاهی تابع	بقره: ۱۶۷ـ۱۶۵

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

عدم آگاهـــی ارادی دارند. در تبعیت از اهـــل باطل تعصب به خرج می‌دهنـــد و اصلاً تأمـــل نمی‌کنند؛ درواقع، به علـــت عدم تفکر، به ثمرات و ماهیت چیزی که تبعیت می‌کنند آگاهی ندارند، اما درواقع حجت بر آن‌ها تمام شده است.	آگاهی تابع	بقره: ۱۷۰
حتماً نیاز نیست انسان‌ها به چیزی که آن از تبعیت می‌کنند یقین و یا علم کامل داشته باشند، بلکه از ظن هم تبعیت می‌کنند.	آگاهی تابع	نساء: ۱۵۷
تبعیت از شـــخص یا چیزی که درپی آن باورهای شخص زیر سؤال برود و یا با آن در تعارض باشد، بسیار کم موفق خواهد بود و صورت خواهد گرفت. هرچند آن شـــخص یا چیز صاحـــب فضل و برتری باشد.	آگاهی تابع	کهف: ۶۸ـ۶۶
اگر این باور صورت پذیرد که تبعیت یا عدم تبعیت از یک راه عذاب درپی دارد، در آن صورت تبعیت صـــورت خواهد پذیرفت. اما باید باور صـــورت پذیرد. همان‌طور کـــه در این آیه گنهـــکاران باور پیدا کرده‌اند که عدم تبعیتشـــان عذاب درپـــی دارد و آرزو می‌کنند به دنیا برگردند و از رسل تبعیت کنند.	آگاهی تابع	ابراهیم:۴۴
در این آیه با اینکه حجت یعنی مرتبه‌ای از علم بر کســـانی که تبعیت نمی‌کنند تمام شده است و به آن طریق علم دارند، اما خداوند دربارهٔ آن‌ها می‌فرماید علم ندارند و نمی‌دانند. انگار علم داشـــتن و دانستن تفاوت دارد. مانند تفاوت کســـی که بداند آتش داغ است با کسی که دســـتش سوخته است، علم این دو متفاوت اســـت؛ بنابراین، مراتب علم مختلف می‌تواند در نوع تبعیت مؤثر باشـــد. هرچه علم قوی‌تر، احتمال تبعیت بیشتر. خداوند به ســـبب ایجاد بستر آزمایش مراتب عالی علم را برای انسان‌ها در مرتبهٔ دنیا نگشوده است، اما علم بیشتر می‌تواند تبعیت بیشـــتر هم بیاورد. قطعـــاً مراتب بالاتر علم از جنس حصولی نیست، علم حضوری است؛ بنابراین، ایجاد علم حصولی در ایجاد تبعیت ممکن است مرتبهٔ پایینی از تبعیت را به همراه بیاورد و می‌توان علت اینکه ســـابقون بســـیار مهم هستند را همین دانست؛ آن‌هـــا علم حصولی را گرفته و با ســـیر در مراتب معرفت الهی تبدیل به حضوری می‌کنند. البته صرف تبعیت عده‌ای از یک مســـیر، علم دیگـــران را از مرتبهٔ حصولی صرف ارتقا می‌دهد و معرفت آن‌ها ارتقا می‌یابد.	آگاهی تابع	جاثیه: ۱۸ـ۱۷
در این آیه خداوند به فهمـــی بیش از فهم فکری و ذهنی برای تبعیت اشـــاره می‌کند، چه برای مؤمنان که دلیل روشـــن از جانب خداوند اســـت و چه برای کفار که به پشـــتوانهٔ تزیینی از عملشـــان اســـت؛ بنابراین، حتی کفار هم که تبعیت نمی‌کنند ســـوء و بدی عملشان در نفسشـــان شیرینی ایجاد می‌کند که البته از جنس تزیین است و آن‌ها به سمت آن حرکت می‌کنند.	آگاهـــی تابع/ ویژگی تابع	محمد: ۱۴

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

آگاهی تنها شرط تبعیت نیســت؛ اگر مراتب بالای آگاهی هم برای عده‌ای فراهم شود، تبعیت نخواهند کرد. شاید شرط لازم باشد، ولی شــرط کافی نیســت. اما آیا می‌توان گفت قاطبهٔ مردم با فراهم‌شدن سطح مناسبی از آگاهی تبعیت خواهند کرد؟	آگاهی تابع	بقره: ۱۴۵
مردم در زندگی به ظن و گمان برای تبعیت از یک چیز اعتماد می‌کنند و خیلــی برای تبعیت در انتظــار آگاهی نمی‌ماننــد، بلکه چیزهای دیگری تبعیت را رقــم می‌زند. آنجا که با صیغهٔ مضارع می‌فرماید از ظن و جز از تخمین تبعیت نمی‌کنند اشاره به این معنا دارد.	ویژگــی تابع/ آگاهی تابع	انعــام: ۱۱۶ و ۱۴۸
به تعبیر قرآن شیطان دشــمن آشکار آن‌هاست، اما مردم از او تبعیت می‌کنند. چرا؟ چون آن را نمی‌بینند (عدم آگاهی).	ویژگــی تابع/ آگاهی تابع	اعــراف: ۲۷؛ انعــام: ۱۴۲ و آیات دیگر
شــاید همین که شیطان عدو مبین است و بعضی کافران نیز به همین وصف در قرآن آمده‌اند دلیلی بر آن باشــد که برای تبعیت‌شدن بهتر آن اســت که دیده نشود و دیده نشدن آن‌ها کمکی بر تبعیت‌شدنشان است.	ویژگــی تابع/ آگاهی تابع	اعــراف: ۲۷؛ انعــام: ۱۴۲ و آیات دیگر
هوا و هوس تابع در اینکه از چه چیزی یا چه کسی پیروی کند اثرگذار است.	ویژگی تابع	قصــص: ۵۰ و آیات دیگر
چنین نیســت که افراد مطابق با شناخت و علم خود از کسی تبعیت کنند یا نکنند. گاهی شخص می‌داند کسی راست می‌گوید، اما برای چیزی مثل هوای نفس و منفعت شخصی از او تبعیت نمی‌کند. البته این مورد با اینکه بگوییم او در آن لحظه، تبعیت از هوای نفســش را حسن و خوب می‌داند تفاوت دارد.	ویژگی تابع	قصص: ۵۰ـ۴۷
مرتبــه قلب را هم به تبعیت اضافه می‌کند. یعنی فارغ از اینکه فرد چه چیز در ذهن داشــته باشد، هدفش چه باشــد، متبوع که باشد وغیره، اینکه در قلبش چه بگذرد در تبعیت اثرگذار اســت. اتفاقاً در این آیه گرایش قلبی را مقدم داشته است.	ویژگی تابع	آل عمران: ۷
منافع شــخصی و منافع خویشــاوندی ممکن است تبعیت را شکل دهد. این دو تاحدی قوی اســت که ممکن است شخص حق را کنار بگذارد و برای آن‌ها به بیراهه رود. جالب اســت درحالی‌که قرآن در اینجا از منافع خویشاوندی هم نام برده است، در ادامهٔ آیه می‌فرماید از هــوای نفس پیروی نکنید. مثل اینکه حتی در جایی که انســان به اسم خویشاوندی از حق عدول می‌کند درواقع از هوای نفس پیروی می‌کند و برای منافع شخصی است که حق را زیر پا می‌گذارد.	ویژگی تابع	نساء: ۱۳۵

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

انسان‌ها به امت‌هایی علقه و وابستگی دارند. این امر باعث امتحان الهی است، یعنی خدا بستر امت‌های مختلف را، که بستری برای امتحان است، ایجاد کرده است. یعنی برای امتحان، انسان‌ها را در تبعیت از حق با مشکل مواجه می‌کند؛ بنابراین، یکی از وابستگی‌های تابع برای پیروی، تعلق آن به امتش است. با این تقسیر، جایگاه و ویژگی‌های جایگاهی تابع را هم در ویژگی‌های خود تابع داخل کرده‌ایم.	ویژگی تابع	مائده: ۴۸
گرایش در تبعیت بسیار پررنگ است، حتی از آگاهی هم پررنگ‌تر است. علم و آگاهی با مراتب بالا در بلعم باعورا جمع شده است، اما با اینکه آیات الهی به او نشان داده شده است، او به دنیا گرایش دارد و از هوای نفس خود تبعیت می‌کند.	ویژگی تابع	اعراف: ۱۷۵ـ۱۷۶
فارغ از اینکه شخص به چه دلیل تبعیت کرده است، خود تبعیت پیشینی تبعیت پسینی را تقویت می‌کند. اینکه اشاره می‌کند به سوء عمل آن‌ها و اثری که سوء عمل می‌گذارد اشاره به همین دارد. زیرا عمل آن‌ها، آن‌ها را به این مسیر می‌کشاند و این مسیر به‌صورتی می‌شود که به جایی می‌رسند که در آن پایدار می‌شوند و به تعبیر قرآن بر دل آن‌ها طبع می‌زده می‌شود.	ویژگی تابع	محمد: ۱۴ و ۱۶
فهم (هرچند ناقص و به‌صورت ظن)+ گرایش (ممکن است هوا باشد یا فطری).	ویژگی تابع	نجم: ۲۳؛ یونس: ۳۵ و ۳۶

جدول ۲. تدبرات مرتبط با متبوع

تدبرات	مقوله	آدرس
آنچه شایستگی دنباله‌روی دارد حق است (وَ هُوَ الحَقُّ مِنْ رَبِّهِم).	ویژگی متبوع	محمد: ۲
افراد در چیزهایی که منفعت سهل‌الوصول و طریق راحت داشته باشد راحت‌تر تبعیت می‌کنند.	ویژگی متبوع	توبه: ۴۲
متبوع صاحب اسباب است.	ویژگی متبوع	بقره: ۱۶۵ـ۱۶۷
بحث استقلال و شاید بتوان گفت تمایز برای کسانی که تبعیت می‌کنند مهم است. در این آیه هم پیامبر و هم مؤمنان در اینکه قبلهٔ مشترکی دارند، تحت فشار هستند و البته این بستر امتحان الهی است، اما نشان می‌دهد این قبلهٔ مشترک باعث بهتان اهل کتاب شده است؛ به این صورت که شما دین جدید هستید اما قبله‌تان با ما یکی است و به عبارتی، استقلال آن‌ها را زیرسؤال می‌بردند و مؤمنان را استهزا می‌کردند. خداوند تبعیت را در این شرایط فقط مخصوص کسانی می‌داند که شامل هدایت الهی شده باشند؛ بنابراین، واقعاً کار سختی بوده است.	ویژگی متبوع	بقره: ۱۴۳

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

افراد در چیزی یا کســی که از او تبعیت می‌کنند باید فضل و برتری ببینند. البته این فضل و برتری به نگاه آن‌ها و باور آن‌ها هم بســتگی دارد. کسی که به غیب اعتقاد ندارد چیزی را ملاک برتری می‌داند و کسی که اعتقاد دارد چیز دیگری را.	ویژگی متبوع	هود: ۲۷
سامری هم‌زمان از چند نکته برای ایجاد تبعیت استفاده می‌کند. اول اینکه این اله را به اله حضرت موسی (علیه‌السـلام) نسبت می‌دهد و درواقع از اعتبار و مرجعیت حضرت موســی استفاده می‌کند؛ دوم اینکه در آنچه به‌عنوان خدا نسبت می‌دهد وجه اعجاب قرار می‌دهد که مردم در آن احســاس فضل می‌کنند و سوم اینکه این بت متناسب با خواست قوم موســی بود که چیزی شبیه بت‌پرستان داشته باشند. اما نمی‌توانست همان بت را به آن‌ها عرضه کند، چون حضرت قبلاً ایشان را از بت نهی کرده بود؛ بنابراین، در آن اعجاز قرار داد.	ویژگی متبوع	طه: ۹۶ـ۸۸
نشــان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تبعیت کنند که از آن‌ها برتر باشــد و فضل داشته باشد. در این آیات فضل پیامبر را، که اتصال او به غیب است، زیرســؤال می‌برند ولی درواقع، می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در چیزی که آن‌ها آن را مایهٔ عزت و برتری می‌بینند به آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال وغیره.	ویژگی متبوع	فرقان: ۱۱ـ۷
خیرخواهی و امین بودن متبوع	ویژگی متبوع	شــعرا: ۱۰۶ و ۱۰۸
راه‌بلدی و به‌عبارت دیگر، علم عملی که بتواند دیگران را به ســمت مقصودی که دعوت می‌کند هدایت کند (مهتدون).	ویژگی متبوع	یس: ۲۱
خیرخواهی (لایَسْأَلُکُم أَجْرًا)	ویژگی متبوع	یس: ۲۱
شــاید با توجه به اینکه در آیات مختلف برای عدم تبعیت، پیامبران را به دروغ متهم می‌کنند نشان می‌دهد که در اذهان مردم راستگو بودن شخصی که تبعیت می‌شود یک اصل است.	ویژگی متبوع	قمر: ۲۵ و آیات دیگر
در این آیات دوباره دیدن فضل و برتری را نشــان می‌دهد. در این آیه به اینکه کســی که از میان خودشان بوده و فضلی در او نمی‌دیدند و همچنین عده و عده‌ای ندارد اشــاره دارد و تبعیت از آن را خســران می‌داند.	ویژگی متبوع	قمر: ۲۴
به سلســله‌مراتبی بودن تبعیت و گره‌های تبعیت اشــاره می‌کند. اگر متاع از خود گروه هدف باشــد، آن‌ها به ســخن او گوش می‌دهند، او را از خودشــان می‌دانند و با تبعیت او به فرد اصلی می‌رسند. هر گروهی اگر می‌خواهیم به تبعیت در بیایند باید از خودشــان کسانی متاع باشند که آن‌ها را به متاع اصلی رهنمون کنند.	ویژگی متبوع	غافر: ۳۸
شــیطان برای اینکه آدم و هوا از او تبعیت کنند، هرچند به دروغ، از باب خیرخواهی وارد شده است و برای این کار قسم هم می‌خورد.	ویژگی متبوع	اعراف: ۲۱ـ۱۸

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

می‌گویند برای تبعیت به آنچه از پدرانمان رسیده تکیه می‌کنیم، ولی خداوند می‌فرماید آن تکیه‌گاه امنی نیست. به‌نظر می‌رسد به اطمینان اشـــاره داشته باشـــد و اینکه در تبعیت اطمینان مهم است و خداوند هم آن را زیرســـؤال نبرده اســـت، بلکه می‌فرماید مصداقش را اشتباه گرفته‌اید.	ویژگی متبوع	لقمان: ۲۲
به‌نظر می‌رسد خداوند برای تبعیت مردم از هدایت الهی اولاً، رسول فرستاده است؛ رسولی که از جنس خود مردم است و به‌صورت کلی یعنی انســـان و به‌صورت خاص معمولاً از همان قوم اســـت. دوماً، رســـول تأییدشـــده با معجزه و درواقع در ارتباط با منبعی فرابشـــری اســـت؛ بنابراین، از یک جنبه افراد به او احســـاس قرب می‌کنند و از جنبهٔ دیگر، احساس برتری و والایی او را دارند.	ویژگی متبوع	آیات مختلف
علم و بصیرت یکی از ویژگی‌های متبوع است. تابع باید باور داشته باشـــد که متبوع علم دارد؛ قرآن بارها این ویژگی را دربارهٔ پیامبرانش ذکر کرده است. هرچند بسیاری از انســـان‌ها این را رد می‌کنند، اما جزء نکاتی است که اکثراً بیان می‌کنند.	ویژگی متبوع	مریـــم: ۴۳؛ یوسف: ۱۰۸
ایمنی‌خواهـــی و دوری از ترس یکی از علـــل تبعیت یا عدم تبعیت است. اینکه خداوند به پاسخ ایشان می‌پردازد نشان می‌دهد که واقعاً چنین نیازی وجود دارد و ممکن است تبعیت‌ها را جهت دهد.	ویژگی متبوع	قصص: ۵۷
شاهد آوردن به اینکه یکی از خود شما هم تبعیت کرده است، در این حالت ممکن است احســـاس نزدیکی پیش بیاید و به همین خاطر شاید السابقون بسیار اهمیت دارند.	ویژگی متبوع	احقاف: ۱۰ـ۹

جدول ۳. تدبرات مرتبط با تبعیت

تدبرات	مقوله	آدرس
گفته است «غَیْرَ سَبیلِ الْمُؤمِنینَ»، درصورتی که می‌توانست به‌صورت دیگری بگوید و احتمالاً به تبعیت جمعی اشاره دارد (با توجه به تفسیر علامه طباطبایی از این بخش که به وحدت اشـــاره دارند). شاید قرآن می‌خواهـــد بفرماید تبعیت از رســـول باید جمعی باشـــد و تفرق در تبعیت از رسول هم پسندیده نیست؛ بنابراین، متبوع یک چیز است و تبعیت و چگونگی تبعیت چیز دیگر.	تبعیت	نساء: ۱۱۵
ایمان به خدا یک منشأ تبعیت است و ایمان به روز آخرت منشأ دیگر؛ درواقع، با ایمان به خداســـت که می‌توان با سببی مثل محبت تبعیت را ایجـــاد کرد و ایمان به آخرت که انگیزه‌هایی که خداوند برای ایجاد تبعیت داده اســـت را معنادار می‌کند؛ بنابراین، شاید این آیه به دو وجه تبعیت یعنی ایمان و قبول داشـــتن کســـی که باید تبعیت شود و مؤثر دانستن وعده‌ها (انگیزه‌ها) به‌عنوان دو رکن تبعیت اشاره می‌کند.	ارکان تبعیت	توبه: ۴۴ـ۴۲

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

افراد باید در چیزی یا کسی که از او تبعیت می‌کنند فضل و برتری ببینند. البته این فضل و برتری به نگاه آن‌ها و باور آن‌ها هم بستگی دارد. کسی که به غیب اعتقاد ندارد، چیزی را ملاک برتری می‌داند و کسی که اعتقاد دارد چیز دیگری را.	ارکان تبعیت	هود: ۲۷
این آیات محبت را واسطهٔ بین تابع و متبوع، حتی در حالت گمراهی، قرار می‌دهد و به محبت بیشتر مؤمنان به خدا اشاره می‌کند. اما محبت اهل ضلالت با دیدن ریختن نظام اسباب ازبین می‌رود و جالب آن است که خداوند ابتدا تبرای متبوع را از تابع بیان می‌کند و سپس متبوعان با دیدن تبرای آن‌ها می‌گویند اگر به دنیا برگردیم از آن‌ها تبری می‌کنیم. به‌نظر می‌رسد با این بیان، اصلاً از قبل محبت یک‌طرفه فقط از جانب تابع بوده و از اول هم متبوع محبتی به تابع نداشته است که تابع با دیدن این رفتار متبوع جا می‌خورد و می‌گوید کاش از اول...؛ بنابراین، در این آیه دو علت تبعیت گفته شد: یکی محبت و دیگری اسباب.	علت تبعیت	بقره: ۱۶۵ـ۱۶۷
علت تبعیت را پیروی از آبا (سنت) ذکر می‌کند.	علت تبعیت	بقره: ۱۷۰
خوف و خشیت یکی از علل تبعیت است که شیطان نیز از این ابزار برای گمراهی استفاده می‌کند. شاید به همین سبب است که خداوند در آیات مختلف انسان‌ها را به تبعیت از هدایت و رضوان خود دعوت می‌کند که با این کار دیگر خوف و ترسی نخواهند داشت. زیرا قدرت مطلق در اختیار اوست.	علت تبعیت	بقره: ۱۷۴ـ۱۷۵
تبعیت از رضوان الهی	علت تبعیت	مائده: ۱۶؛ آل عمران: ۱۶۲
خداوند مژدهٔ سلامتی و نور و هدایت به صراط مستقیم را به تبعیت‌کنندگان از رضوانش می‌دهد که شاید این سه در مقابل وعدهٔ شیطان و اولیایش باشد.	علت تبعیت	مائده: ۱۶
خشیت و خوف را یکی از عوامل تبعیت ذکر کرده است. فقط چون خشیت از خداوند با اعتقاد به غیب معنا پیدا می‌کند آن را به غیب اضافه کرده است.	علت تبعیت	یس: ۱۱
به رابطهٔ میان محبت و تبعیت اشاره دارد. می‌توانست هر واژهٔ دیگری مثل اسلام و ایمان را جای محبت قرار دهد، اما به‌کاربردن واژهٔ محبت می‌تواند نشان‌دهندهٔ رابطه بین محبت و تبعیت باشد. همچنین، به رابطهٔ معکوس آن نیز، یعنی محبتی که به دنبال تبعیت می‌آید، اشاره دارد.	علت تبعیت	آل عمران: ۳۱

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

مهم‌ترین اثر تبعیت نزدیکی تابع و متبوع اســت؛ درواقع، این قرابت هم قرابت خاص اســت نــه قرابت فیزیکی. چــون تبعیت از محبت برمی‌خیزد و اثــرات محبتی دارد. در این آیه کســانی که از حضرت ابراهیم تبعیت کرده‌اند را نزدیک‌ترین افراد به ایشــان معرفی می‌کند. آیات مختلف به این امر اشاره دارند.	اثرات تبعیت	آل عمران: ۶۸
وعدهٔ فلاح خدا برای اینکه از رسول تبعیت کنند.	علــت/ ابــزار تبعیت	اعرف: ۱۵۷
وعدهٔ هدایت (عدم گمراهی) خدا برای اینکه از رسول تبعیت کنند.	علــت/ ابــزار تبعیت	قصص: ۴۷؛ طه: ۱۲۳؛اعراف: ۱۵۸
اشــاره به اینکه انسان بصیر از این راه تبعیت می‌کند. استفاده از اینکه انسان دوســت دارد در زمرهٔ ویژگی‌ها و دسته‌های خوب قرار بگیرد؛ تحریک برای ایجاد تبعیت.	ابزار تبعیت	انعام: ۱۵۰
وعدهٔ رحمت درصورت تبعیت	علــت/ ابــزار تبعیت	انعام: ۱۵۵
وعدهٔ رضوان الهی درصورت تبعیت	علــت/ ابــزار تبعیت	مائده: ۱۶؛ آل عمران: ۱۷۴؛ آل عمران: ۱۶۲
اشــاره به اینکه کســی که تبعیت نکند به بدی و جهنــم وغیره دچار خواهد شد.	علــت/ ابــزار تبعیت	آل عمران: ۱۶۲؛ بقره: ۱۷۸
بدل زدن و زیرســؤال بــردن علت تبعیت از طرف دیگــر و مقابل؛ به ایــن صورت کــه می‌گوید از ســنت پدرانتان تبعیــت می‌کنید، اگر نمی‌فهمیدند چه؟ همین آوردن «اگــر نمی‌فهمیدند» و اینکه تبعیت کورکورانه ذاتاً مقبوح انسان است.	ابزار تبعیت	بقره: ۱۷۰
وعدهٔ اینکه کسی که تبعیت کند از خوف و اندوه به دور خواهد بود.	علــت/ ابــزار تبعیت	بقره: ۳۸
قرابت تابع و متبوع	اثرات تبعیت	ابراهیم: ۳۶
نشــان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تبعیت کنند که از آن‌ها برتر باشد، فضل داشته باشد و در این آیات فضل پیامبر را، که اتصال او به غیب است، زیرسؤال می‌برند ولی درواقع، می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در آن چیزی که آن‌ها آن را مایهٔ عزت و برتری می‌بینند بر آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال.	ابزار تبعیت	فرقان: ۱۱ـ۷

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

تحت حمایت قرار گرفتن به‌ویژه حمایت معنوی و اجتماعی که در رأس آن پیامبر و بعد مؤمنان قرار دارند می‌تواند مردم را ترغیب کند که از رسولش پیروی کنند. به‌نظر می‌رسد در استفاده از واژهٔ واخفض بیشتر حمایت معنوی و اجتماعی منظور است تا حمایت مادی وغیره، مثل یک سرپناه و مأمن. یعنی حس ایمنی‌خواهی و سرپناه‌خواهی مردم ممکن است آن‌ها را به تعبیت وادارد.	ابزار تبعیت	شعرا: ۲۱۵
وعدهٔ پیروزی به‌عنوان وعده‌ای که می‌تواند جلب تبعیت کند.	ابزار/ علت تبعیت	قصص: ۳۵
ممکن است متبوع حق باشد، اما علت تبعیت حق نباشد. یعنی علت تبعیت لزوماً منطبق با متبوع نیست. خداوند احسان را وصف تبعیت می‌آورد که علامه طباطبایی به معنای تبعیت از روی حق می‌گیرند، نه اینکه از سابقون با عناوین دیگر تبعیت کند.	تبعیت	توبه: ۱۰۰
تبعیت بدون پشتوانه؛ تبعیت ابزارگونه؛ منافقانه؛ برای کسب اغراض شخصی؛ در این آیه تبعیت به احسان وصف شده است.	تبعیت	توبه: ۱۰۰
اتصاف به ویژگی پسندیده؛ کسانی که تبعیت کنند صاحبان خرد هستند و هدایت یافته‌اند. خب؛ انسان طبیعتاً دوست دارد این‌گونه باشد؛ بنابراین، در فرد این‌گونه بودن ایجاد انگیزه می‌کند.	ابزار تبعیت	زمر: ۱۸
تصویرسازی از آیندهٔ مسیری که می‌روند و عدم تبعیت که ممکن است این تصویر واقعی و یا ساختگی باشد. تصویر از حسرت‌ها و اموری که ازدست می‌روند.	ابزار تبعیت	زمر: ۵۹ـ۵۴
علت تبعیت (عدم تبعیت)؛ دادن نسبت دشمنی و عداوت در شخص متبوع درواقع، خیرخواهی را زیرسؤال بردن است.	ابزار تبعیت	بقره: ۱۶۸ و ۲۰۸
وعید به جهنم برای کسانی که پیروی نکنند.	علت/ ابزار تبعیت	نساء: ۱۱۵

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

خداوند برای شیطان ابزارهای مختلف ایجاد تبعیت را برمی‌شمرد که البته شاید بتوان از این ابزارها به‌صورت کلی‌تر برداشت کرد و از آن‌ها به‌عنوان ابزارهای ایجاد تبعیت نرم یاد کرد که عبارت‌اند از: ۱. تبلیـــغ: در این آیات هم صوت و هم وعده دادن به این ابزار اشـــاره دارد که در آن متبوع بـــرای ایجاد تبعیت تبلیغ می‌کند و به‌طور خاص وعـــده می‌دهد. وعدهٔ اعم ازطریق حق و باطل اســـت. چون خداوند وعده را به خود هم نســـبت می‌دهد، اما وعـــدهٔ خود را صادق و باقی وعده‌دهندگان را کاذب می‌داند؛ بنابراین، یک شـــیوه متداول اســـت هرچند ممکن اســـت صادق و یا کاذب باشـــد و نشان می‌دهد که در ایجاد تبعیت فارغ از جهت‌گیری مؤثر اســـت. ۲. نیروی ویژه: در این آیات به ســـواره‌نظام و پیاده‌نظام اشـــاره می‌کند که با اشـــارهٔ علامه در تفسیر این آیات می‌توان چنین برداشت کرد که برای ایجاد تبعیت نیاز بـــه نیروی متخصص و ویژه برای افراد و امور مختلف هســـتیم. برای همه نمی‌توان به یـــک نحو برنامه‌ریزی و اجرا کـــرد و گروه‌ها و امور مختلف تبعیت، نیروی متناسب خود را می‌طلبد. ۳. طریقهٔ مالی: در این آیات با مشارکت مالی از آن یاد شده است. ۴. طریقهٔ تربیت و اثرگذاری در نســـل که با عنوان مشارکت در اولاد یاد شده است.	ابزار تبعیت	اسراء: ۶۴
تکرار و ذکر و یادآوری ابزاری است که خداوند در آیات مختلف برای ایجاد تبعیت استفاده کرده است. یادآوری دشمنی شیطان، راه ضلالی که هدایت می‌کند وغیره. شـــاید این ذیل ابزار تبلیغ باشد که در آیات قبلی آمده بود، اما با شیوه‌ای خاص یعنی تکرار.	ابزار تبعیت	نور: ۲۱ و آیات متعدد دیگر
این آیه نشـــان می‌دهد ترس از علل تبعیت اســـت که کافران ســـعی می‌کردند آن را کاهش دهند تا مؤمنان از راهشان برگردند.	ابـــزار/ علـــت تبعیت	عنکبوت: ۱۲
سایر تابعان و اینکه چه کسی از آن فرد تبعیت می‌کند در اینکه سایرین نیز تبعیت کنند یا خیر اثرگذار است.	ابزار تبعیت	شعرا: ۱۱۱
تهدید از طریق به رخ کشیدن سرنوشت کسانی که این مسیر را رفته‌اند برای تبعیت.	ابزار تبعیت	قصص: ۵۷ و ۵۸
ســـلطنت و قدرت یک چیز است و توهم سلطنت چیز دیگری است. گاهی متبوع ممکن است دامنهٔ تســـلط خود را وسیع‌تر نشان دهد که این می‌تواند اثرات مختلفی ازجمله ایجاد تبعیت بیشتر از ترس وغیره داشته باشد. قرآن به شیطان دامنهٔ سیطرهٔ او را گوشزد می‌کند و به تعبیر علامه همین دامنه را هم به خود نسبت می‌دهد.	ابزار تبعیت	اسراء: ۶۵

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

کاری که شیطان می‌کند این است که خود را به‌جای انسان جا می‌زند و خواستهٔ خود را با تزویر، خواستهٔ انسان می‌کند. پنهان بودنش به این امر کمک می‌کند. جازدن خواستهٔ خود به‌جای خواستهٔ دیگران موجب تبعیتی خودخواسته خواهد بود که آگاهی نیز در آن نخواهد بود.	ابزار تبعیت	اعراف: ۲۷(جزء آیاتی نیست که تبعیت در آن باشد، اما با راهنمایی آیات دیگر به آن رسیدیم).
این چیزی که متبوع به آن دعوت می‌کند باید متناسب با تابع باشد. تابع خلقتی دارد که خاص خود آن است و تبعیت باید اقتضائات آن را درنظر گیرد. این اقتضائات اعم از جسمی، روحی وغیره است.	علت تبعیت	روم: ۳۰ـ۲۹
سامری هم‌زمان از چند نکته برای ایجاد تبعیت استفاده می‌کند؛ اول اینکه این اله را به اله حضرت موسی (علیه‌السلام) نسبت می‌دهد که درواقع از اعتبار و مرجعیت حضرت موسی استفاده می‌کند؛ دوم اینکه در آنچه به‌عنوان خدا نسبت می‌دهد وجه اعجاب قرار می‌دهد که مردم در آن احساس فضل می‌کنند و سوم اینکه این بت متناسب با خواست قوم موسی بود که چیزی شبیه بت‌پرستان داشته باشند. اما نمی‌توانست همان بت را به آن‌ها عرضه کند، چون حضرت قبلاً ایشان را از بت نهی کرده بود؛ بنابراین، در آن اعجاز قرار داد.	علت/ ابزار تبعیت	طه: ۹۶ـ۸۸
اشاره به اینکه آمدن رسول با چنین ویژگی‌هایی از پیش وعده داده شده و در منابع معتبری از او یاد شده بود؛ منابعی مثل تورات و انجیل.	ابزار تبعیت	اعرف: ۱۵۷
اینکه چه کسی از شخص تبعیت می‌کند نیز در تصمیم فرد در اینکه از او تبعیت کند یا نه تأثیرگذار است. اگر افرادی از آن فردی که مورد احترام و قبول و دارای مزیتی باشند تبعیت کنند، احتمال اینکه دیگران از آن شخص تبعیت کنند بیشتر است.	ابزار تبعیت	هود: ۲۷؛ شعرا: ۱۱۱
منتسب کردن خود به منبع صاحب اعتبار؛ حضرت یوسف خود را به ملت پدرانش که صاحب اعتبار بوده است منتسب می‌کند.	ابزار تبعیت	یوسف: ۳۸
اشاره به اینکه چیزی که باید از آن تبعیت شود و یا کسی که باید از او تبعیت شود، چیز نویی نیست و قبلاً بوده و بسیاری از او تبعیت کرده‌اند.	ابزار تبعیت	یوسف: ۳۸؛ احقاف: ۹
اینکه خداوند پیامبر را به حضرت ابراهیم متصل می‌کند و او را پیرو ایشان معرف می‌کند و تبعیت از ایشان را همان تبعیت از ابراهیم بیان می‌کند؛ درواقع این استفاده کردن از اعتبار یک منبع اعتبار است و خود را نماینده و یا جانشین آن معرفی کردن که در ایجاد تبعیت مؤثر است.	ابزار تبعیت	نحل: ۱۲۳

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]

در این آیه کفار منشـأ اعتبـار و فضل پیامبر که مطاع مردم اسـت را زیرسؤال می‌برند؛ درواقع، آن منشأ وحی و ارتباط ایشان با غیب است که در این آیه ایشـان را به مسحور متهم می‌کنند. کفار منشأ تبعیت از پیامبر را زیرسـؤال می‌برند. مانند اینکه در جای دیگر، پیامبرشـان را بـه دروغگو بودن متهم می‌کردند آن‌ها نیز می‌خواهند منشـأ فضل را زیرسؤال ببرند.	ابزار تبعیت	هود: ۲۷؛ اسراء: ۴۷
نشـان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تبعیت کنند که از آن‌ها برتر باشـد، فضل داشته باشد و در این آیات فضل پیامبر را که اتصال او به غیب است زیرسـؤال می‌برند ولی درواقع می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در چیزی که آن‌هـا آن را مایهٔ عزت و برتری می‌بینند به آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال.	ابزار تبعیت	فرقان: ۱۱ـ۷
برای تبعیت نکردن، منشـأ تفضـل و برتری را از طریـق اتهام دروغ زیرسؤال بردن.	ابزار تبعیت	قمر: ۲۵

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.3.2.0]